



به جای ۱۰۰ تومان، ۱۲۰ تومان مزدم دادند

امیری بعد از تجربه موفق کار در چند سازمان دولتی، شهرت خوبی به دست می آورد و برای سنگ تراشی در پروژه بازسازی آرامگاه فردوسی انتخاب می شود. او داستان همکاری اش را چنین شرح می دهد: «هم زمان با شروع طرح بازسازی آرامگاه فردوسی در سال ۱۳۴۳، یکی از مهندسان پروژه بازسازی آرامگاه به کارگام آمد و اندازه سنگی مثلثی شکل را به من داد و از من خواست که یک نمونه از آن را بتراشم. مشغول به کار شدم و سنگ را در همان ابعاد خواسته شده تراشیدم. چند روز بعد همان مهندس به دیدنم آمد. سنگ را گرفت و رفت. مدتی از این ماجرا گذشت و خبری از آن ها نشد تا اینکه یک روز دوباره همان مهندس به کارگام آمد و بعد از معرفی خود به عنوان مهندس پروژه بازسازی مجموعه آرامگاه فردوسی، از من خواست که تراشیدن سنگ های آرامگاه فردوسی را برعهده بگیرم. موافقت خودم را برای همکاری اعلام کردم و یک روز برای بستن قرارداد به هتلی در داخل شهر رفتم و آنجا قرارداد همکاری در پروژه آرامگاه را امضا کردم. ابتدا قرار بود به ازای تراشیدن هر قطعه سنگ، ۱۰۰ تومان دریافت کنم اما بعد که خودشان کارم را دیدند و پسندیدند، به ازای هر تکه سنگ ۱۲۰ تومان به من پرداخت کردند. مهندس همان سنگی را که قبلاً برایش تراشیده بودم، نشانم داد و گفت: این سنگ را به تهران بردیم و از یک سنگ تراش خواستیم ۱۲۰ تکه از آن برایمان بتراشد. سنگ ها تراشیده شد اما هیچ کدام از سنگ های تراشیده شده، به تناسب و زیبایی سنگی که شما تراشیده بودید، نبود. مهندس سیحون به ما گفتند هیچ کسی به غیر از سازنده اولش نمی تواند مثل این سنگ را بسازد. همان سنگ تراش را بیاورید تا بقیه سنگ ها را هم بتراشد. من از شنیدن این سخن، خیلی خوشحال شدم.»

ابزارم فقط تیشه و قلم بود

تیشه و قلم، مهم ترین ابزار کار سنگ تراشی امیری می شود. او با همین دو ابزار شروع به نرم کردن سنگ سخت می کند. امیری می گوید: «همه کارهایمان باید دستی انجام می شد. اصلاً خبری از دستگاه های سنگبری نبود. تراشیدن و شکل دادن به سنگ سخت و سخت هم، حوصله و مهارت زیادی می خواست. کافی بود ضربه تیشه را کمی محکم تر بزنی. سنگ

می شکست و حاصل چند روز کار و زحمت به هدر می فت. سنگ های مثلثی تالار زیرین آرامگاه فردوسی هم همگی از سخت ترین جنس سنگ برای تراشیدن، یعنی سنگ خلیج بود که شکل دادن به آن، هنر و مهارت سنگ تراش را می رساند. سختی سنگ خلیج به اندازه ای است که حتی برش آن با دستگاه ها و تجهیزات جدید هم با مشقت و سختی همراه است. آن زمان هر کارگاهی که ۲۰۰ متر سنگ خلیج را می برید، دو تیغه اره از آستان قدس جایزه می گرفت.»

نصب سنگ ها بدون ملات و سیمان

امیری در ادامه با اشاره به سختی کار سنگ تراشی می گوید: «در سال ۱۳۴۳ امکانات و وسایل مجهز امروزی وجود نداشت و ابزار اصلی سنگ تراشی همان تیشه و قلم بود. اولین مرحله، جدا کردن سنگ مورد نیاز از کوه بود. هر روز به معدن سنگ می رفتم و بهترین قطعات سنگ را مشخص می کردم. کارگران معدن نیز بعد از سوراخ کردن سنگ، با استفاده از میخ های فلزی (قلم)، سنگ مدنظر را از کوه جدا می کردند. بعد آن تکه سنگ جدا شده را سوار بر گاری می کردیم و با همان گاری، سنگ را تا آرامگاه می آوردیم. در این مرحله ابتدا طرح و اندازه سنگ مدنظر مشخص می شد و بعد از آن با استفاده از تیشه و قلم و دیگر ابزار دستی، قطعات مدنظر تراشیده می شد. قطعات و تکه های سنگ را طوری می تراشیدیم که با کلاف شدن و چفت شدن، در کنار هم قرار می گرفتند و با چسب، نصب می شدند. در نصب این قطعات مثلثی هیچ گونه ملات و سیمانی به کار نرفته است و با گذشت بیش از ۵۰ سال از آن روزگار، همچنان پابرجا و استوار هستند.»

نصب توری برای سفت کردن سنگ ها روی ستون

امیری در طول سه سال فعالیت در آرامگاه فردوسی علاوه بر ساخت مثلثی های تالار زیرین، در قسمت های دیگری چون ساخت درهای مخفی سنگی در تالار پایین، نرده های سنگی طبقه بالا، سنگ زیرین مجسمه فردوسی و سنگ های مکعبی ساختمان کتابخانه فعلی نیز فعالیت کرده است. علاوه بر این، هر زمان سنگی در هنگام جابه جایی می شکست و آسیب می دید، درمان و تعمیرش برعهده امیری بود. پیشنهاد او برای ثابت

ماندن سنگ ها بر روی ستون های تالار زیرین، یکی از ایده هایی است که به دل خودش نشسته است. می گوید: «تالار زیرین آرامگاه ۲۰ ستون بیست وجهی دارد که نشان دهنده ساخت بنا در قرن بیستم است. سنگ های به کار رفته روی این ستون ها همگی از جنس مرمر هستند و کارخانه ای تراشیده شده اند. اول سنگ کاران، سنگ ها را با ریختن سیمان روی ستون می چیدند و کمی که می گذشت، سنگ ها شروع به ریختن می کرد. من برای حل این مشکل پیشنهاد دادم با نصب توری، سنگ را بچسبانند که خدا را شکر تأثیرگذار بود و دیگر سنگ ها نریختند. مهندس سیحون از این پیشنهاد خوشش آمد و بعد از اتمام پروژه تجدید بنای آرامگاه فردوسی، پیشنهاد کرد در پروژه تعمیر و نصب سنگ های کاخ خورشید در کلات نادری نیز شرکت کنم که من هم قبول کردم.»

راه اندازی اولین کارخانه سنگبری

امیری بعد از اتمام ساخت بنای آرامگاه فردوسی و پس از آن کاخ خورشید، با وجود درخواست مسئول آرامگاه فردوسی به ماندن و کار در مجموعه آرامگاه، به دنبال توسعه در کار خود می رود و اولین کارخانه سنگبری را در شهر سنگ (حاشیه آزادی) افتتاح می کند. او می گوید: «بعد از پایان پروژه بازسازی، مدیر آرامگاه فردوسی درخواست کرد که در آرامگاه بمانم و از هنرم استفاده کنم، ولی من موافقت نکردم؛ چون به دنبال توسعه در کار خودم بودم. بعد از آن سفری به تهران کردم و در آنجا با کارخانه های جدید سنگبری آشنا شدم و با خرید وسایل و لوازم مورد نیاز، یکی از اولین کارخانه های سنگبری صنعتی و جدید را در محله عامل راه اندازی کردم. بعد از مدتی، زمینی را در حاشیه آزادی خریدم. اینجا بیابانی خالی از سکنه و بدون آب و برق و گاز بود. با سختی و تلاش زیاد موفق به کشیدن برق و آب شدم و اولین کارخانه سنگبری را در این محل افتتاح کردم. بعد از راه اندازی این کارخانه، افراد دیگری نیز به اینجا آمدند و کم کم شهر سنگ امروزی شکل گرفت. خوشبختانه بعد از ۶۰ سال حضور در کار سنگبری، فرزندانم این کار را ادامه دادند و کارخانه سنگبری امیری، با مجهزترین دستگاه های سنگبری، امروز جزو معدود کارخانجاتی است که توانایی برش سنگ هایی با قطر دو سانتی متر را دارد.»



سنگ فرش قدیمی اطراف بنای آرامگاه فردوسی که هنوز هم موجود است، به صورت دستی تراش خورده بود. روی این سنگ ها تیشه مخصوصی می زدند تا برجستگی هایی در آن ها ایجاد شود و هنگام برف و باران، مردم روی آن لیز نخورند. این سنگ ها را به اصطلاح دو تیشه می نامند، زیرا از هر دو طرف تیشه می خوردند تا آن طرف هم روی سیمان تکان نخورد و به اصطلاح چفت شود.



ساخت سنگ های مثلثی در ابتدا به فرد دیگری سفارش داده می شود، اما این فرد نمی تواند در تراش سنگ ها نظر مهندس سیحون را جلب کند؛ به همین دلیل مهندسان سراغ ابراهیم امیری، سنگ تراش اولیه، را می گیرند و کل کار را به او سفارش می دهند. تعداد سنگ های خراب اولیه حدود ۱۰۰ تکه بوده است که تعداد محدودی از آن ها را در گوشه کنار آرامگاه فردوسی استفاده کرده اند. جلوی در موزه یکی از آن قسمت ها است که نخراشدگی سنگ ها کاملاً قابل رویت است و می توان هنر دست ابراهیم امیری را بهتر دید.